

# شرق

بالاتمدن فاضلاب در شهرک بسیج کوت عبدالله خوزستان، عکس: مهدی پدرماخو، تسنیم



### زیر پوست شهر

## خیریه‌های شیشه‌ای

**نبی‌الله عشقی‌فانی**

در پی انتشار مطلبی از این‌جانب در روزنامه «شرق» تحت عنوان «شفافیت و اعتمادسازی امر خیر» که در آن موضوع ضرورت‌های شفاف‌سازی عملکرد سمن‌ها برای جلب اعتماد مردم و توسعه فرهنگ خیرخواهی و نیکوکاری مطرح شده بود، با سوآلات متعدد دوستان و آشنایان مواجه شدم که چرا درباره چگونگی و روش‌های شفاف‌سازی توضیح نداده‌اید؛ بنابراین برای احترام به این بزرگواران و سایر خوانندگان توضیحاتی ارائه می‌دهم. واقعیت این است که از زمان طرح نظریه دهکده جهانی تاکنون تغییرات زیادی رخ داده است. اکنون در دنیایی هستیم که انگار همه یکدیگر را می‌شناسند و نامشکوفه‌ای برای انسان وجود ندارد؛ انگار در خانه شیشه‌ای زندگی می‌کنیم که همه گوشه‌ها و زوایای آن برای دیگران آشکار است. این فرضیه درباره سمن‌ها نه‌تنها شدنی بلکه ضروری است. زمانی که شفاف‌سازی عملکرد شکل‌های مردم‌نهاد مطرح می‌شود، طبیعی است که بپذیریم این حق مردم است که بدانند منابع مالی اختصاص داده‌شده ایشان تبدیل به چه خدمتی شده و چه نتیجه‌ای برای افشار آسیب‌پذیر داشته است؛ با رعایت به اینکه اساس و بنیان خیریه‌ها، سمن‌ها و دیگر تشکل‌های مردم‌نهاد بر پایه مشارکت مردمی و حضور و تعامل با مردم گذاشته شده است. پس هیچ فعلی نباید پیوشیده از مردم و بدون اطلاع آنان به اجرا گذاشته شود؛ بنابراین در مسیر اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی توضیحاتی درباره ساختار و ارکان تشکل‌های مردم‌نهاد و خیریه‌ها ارائه می‌شود. همه تشکل‌ها هیئت امنا دارند؛ یعنی گروهی از سر احساس مسئولیت و انسان‌دوستی دست همکاری به یکدیگر داده و مؤسسه‌ای را ایجاد کرده‌اند، با این نیت که خدمتی را به افشار کم‌برخوردار یعنی جامعه هدفشان ارائه دهند و آنان را برای توانمندشدن یاری رسانند. هیئت امنا از بین خودشان افرادی را که دارای زمان کافی، عشق و علاقه به دیگران هستند، انتخاب می‌کنند تا تحت عنوان هیئت‌مدیره سازوکارهای انجام کار خیر را فراهم و تسهیل کنند و با ارائه راهکارهای مناسب خدمت‌رسانی را هموار کنند و دیگران را برای مشارکت و معاضدت تشویق کنند و مسئولیت شکل‌دهی هر خدمت و برنامه‌ای را بر عهده دارند و در مقابل هیئت امنا، مردم و دستگاه ناظر پاسخ‌گو هستند، مدت خدمت هیئت‌مدیره معمولاً دو سال است تا پیوسته انترزی جدید وارد سمن شود و افراد بیشتری وارد فرایند خدمت‌رسانی شوند. برای آنکه فعلی مغایر اسانسمه سمن واقع نشود، چارچوب‌ها رعایت و اهداف محقق شود و در مسیر خدمت‌رسانی، مطابق خواسته و انتظار مردم مشارکت‌کننده انجام پذیرد، به‌خصوص منابع مالی در جای خود و به‌صورت بهینه هزینه نشود، بازرس یا بازرسانی برای مدت یک سال انتخاب می‌شود و هر سال تجدید انتخابات می‌شوند. این بازرسان دارای اختیارات کافی هستند تا فعل نظارت و بررسی عملکرد به شکل صحیح و در چارچوب نیت مردم مشارکت‌کننده انجام پذیرد. موضوع دیگر آنکه در خیریه‌ها رئیس وجود ندارد بلکه شخصی به‌عنوان مدیرعامل برای دو سال انتخاب می‌شود تا تصمیم‌گیری بر پایه مشورت و تبادل‌نظر انجام پذیرد. مدت خدمت مدیرعامل هم دو سال است اگرچه امکان انتخاب مجدد وی وجود دارد. ملاحظه می‌شود که سازماندهی مؤسسه‌های مردم‌نهاد تعاملی و شورایی و بر مبنای تبادل‌نظر و خرد جمعی است. دعوت و درخواست از مردم برای مشارکت و همکاری در امر خیر هم فقط برای جذب کمک مالی نیست بلکه برای هم‌فکری، همراهی و استفاده از خرد جمعی برای خدمت‌رسانی شایسته است. از آنجا که مردم به اندازه کافی در جریان سازوکارهای اداره و چگونگی نظارت دستگاه‌های متولی و حاکمیت خرد جمعی بر مؤسسه‌های خیریه و سمن‌ها نیستند، ضرورت دارد با هدف شفاف‌سازی و جلب اعتماد عمومی حداکثری اقدامات ضروری انجام پذیرد. برخی اقدامات و روش‌ها و می‌تواند در مسیر شفاف‌سازی مؤثر باشد، شامل این موارد می‌شود: ۱- بیان عملکرد مالی یعنی همه کمک‌های مردمی دریافتی و چگونگی تأمین منابع دیگر و خدمات ارائه‌شده به‌صورت مشروح و دوره‌ای از طریق رسانه‌ها و شبکه مجازی منتشر شود و پیوسته در معرض استحضار مردم باشد. ۲- امکان حضور مردم در مؤسسه و ملاحظه برنامه‌ها و ارائه خدمات فراهم شود و هیچ محدودیتی هنگام بازدید از مؤسسه جز رعایت شان و احترام خدمت‌گیرندگان مطرح نشود. ۳- هنگام درخواست از مردم برای کمک‌رسانی و مشارکت در اجرای پروژه یا ارائه خدمت، فرایند و میزان کمک اهداشده و هزینه انجام شده به‌صورت منظم و پیوسته و شفاف تا تکمیل پروژه یا اتمام کمک‌رسانی به مردم و مشارکت‌کنندگان اطلاع‌رسانی شود. ۴- اگرچه مؤسسه‌ها به‌منظور رعایت اصل محرمانه‌نگه‌داشتن اطلاعات مجاز به اعلام مشخصات افراد سرویس‌گیرنده نیستند اما باید به طریق اطمینان بخش دیگری نیکوکاران و حامیان را در جریان شیوه خدمت‌رسانی قرار دهند. ۵- در صورت درخواست حامیان و نیکوکاران اعلام اسامی خدمت‌گیرندگان فقط بعد از موافقت کمک‌کنش شخص کمک‌گیرنده و با رعایت شان و احترام آنان باید به طریق مقتضی به استحضار رسانده شود. ۶- از طریق برگزاری نشست خیرین، حامیان و مشارکت‌کنندگان و ارائه گزارش‌ها و توضیحات و تشریح خدمات به‌صورت دوره‌ای شفاف‌سازی کافی انجام پذیرد. این چند مورد فقط نمونه‌هایی از فرایندها و مسیر شفاف‌سازی است هر تشکلی به روش خود مردم را در جریان چگونگی ارائه خدمات می‌گذارد.

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲۵ شهریور ۱۳۹۹ • ۲۶ محرم ۱۴۴۲ • ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۳۸۱۷ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۵۹ • اذان مغرب ۱۹:۲۹

اذان صبح فردا ۵:۲۳ • طلوع آفتاب ۶:۴۸

fardashargh@gmail.com

**روزنامه‌فردا**

### نور نوشت

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲۵ شهریور ۱۳۹۹ • ۲۶ محرم ۱۴۴۲ • ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰

اذان ظهر تهران ۱۲:۵۹ • اذان مغرب ۱۹:۲۹

اذان صبح فردا ۵:۲۳ • طلوع آفتاب ۶:۴۸

fardashargh@gmail.com

**روزنامه‌فردا**

### گزارش

## فرزندآوری با محرک بورس قرمزپوش؟

با روی‌کارآمدن یک مجلس اصولگرا بار دیگر مسئله فرزندآوری و تشویق به زادوولد در دستور کار یکی از قوای سه‌گانه کشور قرار گرفت. نمایندگان اکثراً تازه‌راه‌یافته به مجلس که همین چند روز پیش صدمین روز فعالیت خود را در خانه ملت پشت‌سر گذاشته بودند، در ادامه طرح‌های جدیدی که صحن آورده‌اند و از طرح‌های تشویقی فرزندآوری هم رونمایی کرده‌اند. ابتدا این سیدعلی موسوی، نماینده ملکان بود که از طرح اعطای سهام به فرزند سوم خانواده‌ها خبر داد. سیدعلی موسوی می‌گوید: «در طرحی که اخیراً برای تشویق افزایش جمعیت و زادوولد تدوین کردیم، قرار است برای فرزند سوم و چهارم به بعد سهامی از شرکت‌های معتبر دولتی از جمله پالایشگاه و پتروشیمی‌ها به‌عنوان «سهام آیندگان» تخصیص داده شود». چند روز بعد از این هم نماینده ملکان در تشریح بیشتر طرح تشویقی زادآوری مجلس از تشکیل بنیاد ملی افزایش جمعیت خبر داد و گفت: «بخش اول این طرح، مربوط به بحث بنیاد ملی افزایش جمعیت است که دلیل اصلی ما برای این مسئله ایجاد نظم و تمرکز بیشتر در اجرای طرح است، چون بیشتر طرح‌هایی که تاکنون درباره افزایش نرخ جمعیت مطرح و به همه وزارتخانه‌ها، دستگاه‌ها و نهادهای مربوطه ابلاغ شده، نیازمند یک سکانداری واحد و مشخص بوده است؛ بنابراین ما پیشنهاد ایجاد بنیاد ملی افزایش جمعیت را مطرح کردیم. به گفته وی، این تمرکزگرایی باعث می‌شود که بنیاد ملی افزایش جمعیت سکانداری بحث افزایش نرخ رشد جمعیت را عهده‌دار شود. البته ما در طرح پیش‌بینی کردیم که این بنیاد زیر نظر دولت و مشخصاً زیر نظر مستقیم رئیس‌جمهوری فعال باشد و شخص رئیس‌جمهوری، ریاست این بنیاد را انتخاب کند. اعتقاد ما این است که این بنیاد باید یک نهاد قوی و قدرتمند برای اداره بحث افزایش جمعیت باشد». اما اینکه چنین طرح‌هایی تا چه میزان می‌تواند منجر به تشویق به زادوولد شود، همچنان سؤالی است که طراحان طرح برایش پاسخی ندارند؛ چراکه شاید مهم‌ترین مسئله در شرایط کنونی ایران برای تشویق به فرزندآوری مسئله اقتصادی و امنیت اقتصادی خانواده‌هاست.

چیزی که نمایندگان مجلس هم سعی کردند با مطرح‌کردن طرح ارائه سهام خانواده‌ها را با آن تشویق کنند اما غافل از اینکه مهم‌تر از این کاتالیزورهای اقتصادی ایجاد حسن اعتماد در میان شهروندان ایرانی است. چیزی که موجب شود آنها با اعتماد به دولت‌ها و مجلس‌ها گام بردارند. همان‌طوره‌که می‌دانیم سال ۱۳۸۴ و در زمان قدرت‌داشتن یک دولت و مجلس اصولگرا قانون تسهیل ازدواج جوانان تصویب شد تا با تشویق جوانان به ازدواج در نهایت چالش کاهش نرخ زادوولد را هم ترمیم کنند. حتی در همان سال‌ها محمود احمدی‌نژاد که استاد طرح‌هایی پرسروصدا بود، مقرر کرده بود برای همه فرزندان زیر ۱۸ سال خانواده‌های ایرانی یک میلیون تومان پس‌انداز بر نظر گرفته شود تا خانواده‌ها به این بهانه به فرزندآوری تشویق شوند. طرحی که پنج‌ماه بیشتر دوام نیاورد و بعد از دستور کار خارج شد. نتیجه چنین طرحی نه یک آزمون‌وخطا در حوزه طرح‌های تشویقی فرزندآوری که یک سلب اعتماد عمومی بود. حالا و بعد از آن طرح و همچنین سخنرانی‌های فراوان و بدون خروجی ملموس، نمایندگان مجلس می‌خواهند با تکیه بر بورس و بازار سرمایه از پس نرخ پایین زادوولد در کشور ب‌آیند. غافل از اینکه بازار بورس خودش یک بازار پرریسک است و در شرایط پرتلاهب اقتصاد ایران اصلاً یک محرک خوب برای تشویق به فرزندآوری نیست.

اتفاقاً هزرمانی بیان این طرح و روزهای قرمزپوش‌بودن بورس ایران هم موجب شد تا احتمال کارآمدنبودن این طرح بیشتر از قبل پررنگ شود. همچنین شاید این تلنگری برای نمایندگان مجلس باشد که بدانند با چنین طرح‌هایی تنها خارخوبه‌ها را زیر فرش می‌کنند و کار مهم و اصلی برای ایجاد شوق و انگیزه در شهروندان برای زادآوری حداقل در شرایط فعلی، وضعیت اقتصادی پایدار و باثبات است. در واقع هرکدام از این طرح‌ها در یک شرایط اقتصادی ناپایدار چیزی جز سلب اعتماد را برای شهروندان در پی ندارد. شهبلا پورکاظمی، جمعیت‌شناسی است که این روزها در نقد این طرح مجلس به خیرگزاری ایستنا گفته: «در سیاست‌گذاری‌ها تنها مباحث اقتصادی مطرح نیست، بلکه بحث اعتمادسازی، ثبات اقتصاد و امنیت اقتصادی نیز مطرح است. همچنین ثبات اقتصادی بسیار گسترده است و فقط به معنای قرار‌دادن پول در اختیار مردم نیست. اعتمادسازی هم در جوامع هنگامی ایجاد می‌شود که عملکرد دولت برای مردم شفاف باشد و دولت به وعده‌های خود عمل کند، در غیر این صورت اعتماد مردم کاهش می‌یابد».

چند ماهی است که زنان از تعرض‌ها در ارتباطات حرفه‌ای سخن می‌گویند. این رویه هرچند اکنون شتاب کمتری گرفته؛ اما سبب اتفاقات مهمی شده است. یکی از متهمان دستگیر شده و یکی دیگر از عضویت در حرفه‌اش تعلیق شده است. با عباس عبدی، پژوهشگر، دراین‌باره کوتاه سخن گفته‌ایم.

**۴ بحث تجاوز و آزار جنسی در محیط‌های کاری، رسانه‌ای و پژوهشی چندی است به‌طور جدی و به‌صورت یک جنبش از سوی زنان مطرح شده است. به نظر شما چه روندی سبب شد تا سرانجام خانم‌ها از این مسائل سخن بگویند؟**

مهم‌ترین دلیل از نظر من کوچک‌شدن دنیاست. پیش‌ازاین برای هر سخن و ایده‌ای نیازمند دسترسی آزاد به رسانه‌های مکتوب و تصویری بودیم. باید زمینه‌ای فراهم می‌شد و به‌گونه‌ای صدای دادخواهی آنان جایی ثبت و منتشر می‌شد و بررسی می‌شد که به علل فراوان دادگاه‌ها چنین ظرفیتی را نداشتند. فرهنگ عمومی هم با آن همراهی نمی‌کرد. این روزها در فضای مجازی سخنشان را به‌سادگی می‌توانند بیان کنند و از همه مهم‌تر اینکه بلافاصله عده‌ای دیگر با آنان همراهی و همدلی کردند. این از نظر بحث فنی و تکنیکال است؛ اما از منظر دیگر وقتی یکی، دو نفر آسیب‌دیده چنین مسائلی را مطرح کنند، به دیگران این جسارت را می‌دهند تا آنان نیز بتوانند تجربه‌های خود را بازگو کنند و اکنون این اتفاق افتاده است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد گوش شوا نیز بیشتر شده و نگاه‌ها تغییر کرده است. این حرف

که مقصر فقط زنان هستند،

کمتر مطرح می‌شود و این

نکات در شکل‌گیری این جریان

اهمیت دارد.

**۴ چرا بیان این مسائل حتی در بین زنان فرهیخته، فعال پژوهشگر جز: تابوها بوده و حس می‌کردند صدای‌شان شنیده نمی‌شود؟**

یک بخش شاید به این

دلیل باشد که پیش‌ازاین، آنان

فکر می‌کردند اعتراضشان،

به نتیجه نمی‌رسد؛ و فقط

موجب هتک حیثیت

خودشان می‌شود. اگر بر این

باور باشیم که کاری سرانجام ندارد، علاقه‌ای به انجام آن نخواهیم داشت و ترجیح می‌دهیم سکوت کنیم؛ به‌ویژه در مسائلی نظیر اینکه عواقب بعدی آن، با خسارت‌های زیادی همراه بوده و سبب حذف یا طرد هم می‌شده است؛ اما اکنون این وضعیت سبب همدلی شد و آدم‌های زیادی با آن همسو شدند. یکی از این خانم‌ها اظهار کرده که موضوع را همسرش می‌داند و او حامی پیگیری او است. به نظرم نقش این مردان فهمیده در حمایت از همسران آزاردیده بسیار مهم و ارزشمند است. **۴ مردان متعرض در حوزه‌های مختلف فرهنگی از هنرمند تا پژوهشگر اجتماعی بودند. این مسئله را چگونه می‌توان تحلیل کرد و چه بسترها و زمینه‌ای سبب شده تا آنان این‌گونه رفتار کنند؟**

ن باید این‌طور به قضیه نگاه کرد که این مردان در این حرفه‌ها بوده‌اند. قطعاً این مشکل در تمام حرفه‌ها کمابیش وجود دارد و در این نمی‌توان شک کرد. از سوی دیگر شاید یکی از دلایلی که زنان مورد تعرض قرار گرفته توانسته‌اند این مسائل را مطرح کنند، شجاعت و دسترسی‌هایی بود که داشته‌اند. این زنان شجاع، پیشگام هستند؛ حتی وقتی طرف آنها افراد شناخته‌شده‌ای باشند؛مثلاً زمانی که این اتفاق برای خانمی در شرکتی رخ می‌دهد، مردم، شرکت، رئیس شرکت و... را نمی‌شناسد، او چگونه می‌تواند وارد میدان شود؟ اگر وارد شود، ممکن است هزینه‌های زیادی بپردازد و

### سلام به فردا

گفت‌وگو با عباس عبدی، پژوهشگر اجتماعی

## زنان شجاعانه پیشگام شدند

مشکلات متعددی برایش به وجود بیاید. کسانی که اکنون قدم نهاده‌اند و داوطلب بیان این اتفاقات شده‌اند، هم دسترسی‌های خوبی به رسانه‌ها دارند و هم ضرب امنیت آنها بالاتر است و هم فرد متعرض به‌دلیل شهرت، شکننده‌تر و آسیب‌پذیرتر است؛ بنابراین نباید فکر کنید چرا زنان حوزه‌های دیگر تاکنون سخن نگفته‌اند و تنها در این حوزه‌های فرهنگی اتفاق می‌افتد. البته ویژگی‌های برخی حرفه‌ها می‌تواند انگزداری بیشتری در بروز این تعرضات داشته باشد؛ مثلاً موقعیت‌ها و انگیزه‌های بیشتری را در افراد به وجود بیاورد که آنان بیشتر دست به تعرض بزنند که این حرفه‌ها را به‌طور خاص باید بررسی کرد.

**۴ البته در سؤال قبلی منظور این است که از مردان این حوزه‌ها با توجه به جایگاه و دانش انتظار بیشتری می‌رفت، مثلاً به‌نازگی یکی از اعضای انجمن جامعه‌شناسان به‌دلیل مطرح‌شدن تجاوز و آزار و اذیت خانم‌ها، عضویتش تعلیق شد که این تعلیق باعث امیدواری افراد آسیب‌دیده شد.**

فراموش نکنیم که این اتهامات بسیار موضوع مهمی است و باید به آن عادلانه رسیدگی شود. در این مورد خاص، تعلیق عضویت روند عادی است. اصلاً بهتر است خود افراد عضویتشان را تعلیق کنند تا به موضوع رسیدگی شود. درباره فساد هم این رفتار را داریم مثلاً وقتی یک مقام مسئول متهم به فساد می‌شود، استعفا می‌دهد تا به ماجرا رسیدگی شود (متأسفانه در ایران چنین نیست) تا حکم قضائی، حکم اخلاقی یا حکم حرفه‌ای و... صادر می‌شود

و براساس آن می‌توان

نتیجه‌گیری قطعی کرد.

تعلیق عضویت باید به‌عنوان

یک پیش‌شرط رسیدگی‌های

منصفانه تلقی شود.

**۴ آیا این رویه می‌تواند ادامه پیدا کند و مسئله**

**تعرض می‌تواند در صنف‌و حرفه‌های دیگر پیگیری شود**

**یا هنوز زمینه‌اش فراهم نشده است؟**

این موضوعات مطلقاً

منحصر به حرفه‌هایی که

مطرح شده، نیست. اتفاقاً

کسانی که در این حرفه‌ها

مشغول هستند، به‌دلیل حس

مسئولیت‌پذیری‌ای که دارند، این مسائل را مطرح کردند.

حالا اگر در حرفه‌ای چنین حسی وجود ندارد یا فضای

عمومی آن به‌گونه‌ای است که افراد متعرض و متجاوز

از امنیت بیشتری برخوردار هستند، حسنی برای آن

حرفه محسوب نمی‌شود. هر چه بیشتر درباره این مسائل

در حرفه‌های مختلف سخن گفته شود، امنیت بیشتری

برای زنان فعال در آن فراهم می‌شود تا اینکه فقط

منتظر باشیم تا یک‌سری قاعده‌های حقوقی و اخلاقی

در آنها شکل بگیرد.

**۴ آیا روزنامه‌نگاران در هموارکردن این مسیر**

**می‌توانند نقش بیشتری داشته باشند؟**

روزنامه‌نگاران می‌توانند بیشترین نقش سازنده را در

دفاع از افرادی که به آنها تعرض شده است، ایفا کنند.

گفت‌وگوی اخیر خانم الناز محمدی از نمونه‌های خوب

برای تأیید این مدعاست. اتفاقاً در زمستان سال گذشته

هیئت‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به چند نفر از

همکاران خانم ماموریت داد که دراین‌باره و با مشورت

کارشناسان طرح اجرائی مناسبی را تهیه کنند که شامل

آموزش نظارت و... شود که متأسفانه با شیوع کرونا

همه برنامه‌ها دچار اختلال شد و امیدواریم در آینده

نزدیک طرح خود را نهایی و اجرا کنند. همچنین انجمن

آمدگی دارد از طریق یک کارگروه معتبر و حافظ اسرار

به ادهای افراد رسیدگی و مساعدت‌های مناسب را

انجام دهد.

### روزها

به زمین رحم کنیم هفته‌ای که در پیش‌رو داریم، هفته‌ای است که در سراسر جهان درباره زباله‌ها اطلاع‌رسانی می‌شود. زباله‌ها و آسیب‌هایی آنها به زمین؛ که در آن زندگی می‌کنند، اکنون بخش زیادی از دغدغه مردم است. واقعیت این است که هر روز این خبر را می‌خوانیم که حجم زباله‌ها در دریاها و اقیانوس‌ها نگران‌کننده است. با آمدن پاندمی، شاید بسیاری از دین تصاویر ماسک‌هایی که در اقیانوس‌ها و رودخانه‌ها رها شده بود، شوکه شدند. هر روز هم که می‌گذرد، این موضوع باعث تعجب بیشتری است که برای بسیاری این وظیفه ساده یعنی نریختن زباله در بستر رودخانه‌ها را فراموش می‌کنند و مشکلی مانند جمع‌آوری زباله‌های موجود در کنار سواحل دریاها پیش می‌آید. بسیاری از گروه‌ها در جهت پاک‌سازی حاشیه رودخانه‌ها و دریاها شکل می‌گیرند و فعالیت می‌کنند. همه ما در خاطراتمان به یاد می‌آوریم که از جاهایی سخن می‌گفتند که باورمان نمی‌شد



### دغدغه‌های طبیبانه

## فرصت‌های کرونایی



**عبدالرضا ناصر مقدسی**  
متخصص مغز و اعصاب

● کرونا همچنان می‌تازد و با سیاست‌های نه‌چندان درست بی‌دربی متصدیان امر، فکر نکنم حالا حالاها دست از سر ما بر دارد. کادر درمان به‌شدت فرسوده هستند و مردمان ما نیز چندان مراقبت‌های بهداشتی را رعایت نمی‌کنند. همه فکر می‌کنند در معرض خطر نیستند؛ اما وقتی کرونا گریبان‌شان را می‌گیرد نه‌تنها خود در معرض بدترین عواقب می‌توانند باشند، بلکه اطرافیان خود را نیز در معرض خطر قرار می‌دهند و درعین‌حال سبب می‌شوند که کادر درمان بیش از پیش فرسوده شوند. ما همچنان در مرحله قرمز و هشدار هستیم و این قرمزی‌ها کماکان ادامه دارد، اما کرونا تماماً بد نیست. همیشه باید کمی بااستیم و به آنچه تابه‌حال اتفاق افتاده نگاهی دوباره بیفکنیم. آیا همه آنچه بر سر ما آمده تهدید بوده است؟

هیچ پدیده‌ای کاملاً بد یا خوب نیست. همه پدیده‌ها خاکستری هستند. مهم این است که ما کدام سمت‌وسوی آن را دیده باشیم. آیا فرهنگ ما به ما یاد داده که تهدیدها را به فرصت بدل کنیم؟ چنین چیزی در فرهنگ کنونی ما نایاب شده است و هر تهدیدی عملاً دست به تخریب ما می‌زند. درحالی‌که اگر فرهنگ ایرانی تاکنون ادامه یافته به‌خاطر انعطاف‌پذیری و همضم‌کردن سایر فرهنگ‌ها درون خودش است، وگرنه یکی از حمله‌های بسیار در تاریخ ایران برای هر کشوری کافی بود تا فرهنگ آن را از ریشه بکند. به سخن دیگر به‌مایه‌ای از فرهنگ ایرانی وجود داشته است که تهدیدها را به فرصت تبدیل می‌کرده است؛ اما به نظر می‌رسد این خصلت مهم فرهنگ ایرانی در دهه‌های اخیر به‌شدت خدشه‌دار شده و دیگر نسل‌های اخیر نمی‌توانند خود را با شرایط وفق داده و تهدیدها را به فرصتی برای توانمندشدن تبدیل کنند. کرونا نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ بااین‌حال باید هر لحظه به فکر تغییر این شرایط باشیم و فکر می‌کنم به دلایل متعددی کرونا یکی از فرصت‌هایی است که می‌تواند در تغییر این نقصانی که مانند یک انکل به جان فرهنگمان افتاده، به ما باری برساند.

چند روز پیش پس از اتمام کلینیک چند دقیقه‌ای آرام در سمدلی‌ام فرورفتم. شش‌ها من از آمدن کرونا گذشته است، درست است که خسته شده‌ام، درست است که عزیزی را از دست داده‌ام، اما خودم هم چیزهای زیادی یاد گرفته‌ام. تجاربی که تا همین شش ماه قبل اصلاً برای من قابل تصور هم نبود. کرونا مانند یک موتور محرکه همه مفاهیم را دگرگون کرد. از طبابت و آموزش تا اقتصاد و چگونگی نفوذ دنیای مجازی در زندگی ما و همه اینها با خود مفاهیم جدیدی را به دنبال آورد. حداقل در این شش ماه در همین علم پزشکی، اکنون تله‌مدیسین بسیار برجسته شده و مورد توجه قرار گرفته است. ما تازه داریم ظرفیت‌های فضای مجازی را کشف می‌کنیم. تله‌مدیسین هم شامل نحوه ارتباط با بیماران، هم تشخیص موضوعی که نشان می‌دهد فضای مجازی تا چه اندازه مفید و پربازده است. نکته مثبت اینجاست که با این اینترنت خراب مملکتمان



و سرعت‌های کم آن، چنان با سرعت بستر آموزش آماده و وینپارهای متعددی برگزار شد که فکر نمی‌کنم حتی با بازگشت به شرایط قبل از کرونا این روش آموزشی تغییر کند. این تغییر یک ضرورت بود، اما نکته مهم اینجاست که این تغییر با موفقیت در کشوری انجام شد که زیرساخت‌های مناسب برای آموزش مجازی را نداشت و هنوز هم ندارد. همین الان جوان‌های مستعدی به‌دنبال ایجاد راه‌هایی هستند که بتوانند در همین فضای ایران این مقولات را گسترش دهند و آن را به حاکمتر بهره‌برداری برسانند و همین باعث دلگرمی و خوشنودی است.

کرونا عاملی خارج از کنترل بود که در عین تهدیدهایی که به وجود آورد، در تمام دیوارها و محدودیت‌ها رد شد و همه را وادار کرد که خود را با آن وفق دهند. به گمانم کرونا سبب شد بخشی از محدودیت‌های بی‌شماری که در جامعه ما وجود دارد، ناکارآ شوند. همین نکته می‌تواند فرصت‌های بی‌شماری را در برابر ما بگشاید. فقط باید با دقت، چشم‌بگشاییم و آنها را ببینیم. در این صورت است که توانمندتر از پیش خواهیم شد.